خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۸ آبان ۱۳۹۵
۲۷ محرم ۱۴۳۸
۸ صفحه/ شماره ۳۴۱۷

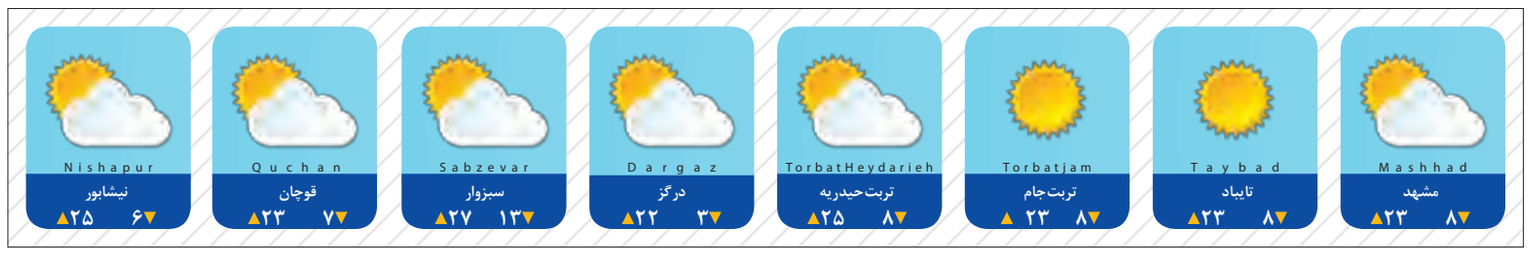

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام صادق(ع)

شما را سفارش می کنم به دعا کردن، زیرا با هیچ چیز مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید و دعا کردن برای هیچ امر کوچکی را، به خاطر کوچک بودنش رها نکنید، زیرا حاجت های کوچک نیز به دست همان کسی است که حاجت های بزرگ به دست اوست.

کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۴۶۷، ح ۶

شاعران خراسان قدیم

مولانا

خراسان به روایت خراسان

۸ آبان سال ۱۳۲۹

سه کیلو شیرینی؛ ۱۲ تومان

۶۶ سال پیش در چنین روزی، «خراسان» نوشت:

کشفیات دایره آگاهی مشهد

مشهد؛ خبرنگار خراسان – طی چند روز گذشته، کشفیات اداره آگاهی مشهد به قرار ذیل بوده است: ۱- یک النگوی طلا به ارزش ۴ هزار ریال که از قاسم ثابتی سرقت شده و سارق آن ابوالفضل النگورا به فردی به نام هادی فروخته بود، کشف و به صاحبش مسترد گردید؛ ۲- یک عدد دوچرخه از قریه بحرآباد متعلق به غلامرضا که به وسیله محمدرضا، سارق پیشینه دار، سرقت شده بود، سارق در شهر، در موقع فروش آن، دستگیر و دوچرخه به صاحبش مسترد و پرونده به دادگاه احاله گردید؛ ۳- حسین و محمد نام، اعتراف به سه فقره سرقت کرده اند که در دایره آگاهی تحت تعقیب می باشند و برای جمع آوری اموال مسروقه، مشغول اقدام هستند.

آگهی نرخ شیرینی جات در مشهد

مشهد؛ آگهی وارده - پیرو آگهی شماره ۱۵۴۳۷/۴۴۴۶، نرخ شیرینی جات از دهم آبان تا آگهی ثانوی به شرح ذیل تعیین و جهت اطلاع اهالی محترم و شیرینی فروشان اعلام می گردد. ۱- انواع شیرینی جات نانی مرغوب، از هر قبیل، تر و خشک، به طور مخلوط در دکاکین قنادی درجه یک، سه کیلو ۱۲۰ ریال، در دکاکین درجه دو، سه کیلو ۱۰۵ ریال؛ ۲- نان سوخاری در دکاکین قنادی درجه یک، سه کیلو ۹۰ ریال، در دکاکین درجه دو، سه کیلو ۸۰ ریال؛ ۳- نان بلوکی در دکاکین قنادی درجه یک، سه کیلو ۸۰ ریال، در دکاکین درجه دو، ۷۵ ریال؛ ۴- نقل و آبنبات ترش و شیرینی جات متشابه آن در دکاکین قنادی درجه یک، سه کیلو ۸۰ ریال، در دکاکین درجه دو، سه کیلو ۶۹ ریال؛ ۵- شکلات خالص در دکاکین قنادی درجه یک، سه کیلو ۲۰۰ ریال؛ ۶- شکلات کاکائو مغزی در دکاکین قنادی درجه یک، سه کیلو ۱۵۰ ریال. در ضمن، دکاکین قنادی اتحاد، مینا، لاله زار نو، طباطبایی، نوشین، لاله زار، مقدم، اطمینان، قدسی و امید درجه یک و سایر دکاکین قنادی شهر، درجه دو هستند. اجناس مورد مصرف شیرینی جات باید از نوع مرغوب تهیه گردد. کلیه شیرینی فروشان موظفند یک نسخه از این آگهی را در داخل دکاکین خود، در محلی که در دسترس مراجعین باشد، نصب نمایند. متخلفین از نرخ های فوق، برای قانون کیفر گرانفروشان، تعقیب خواهند شد. شهردار مشهد؛ قهرمان.

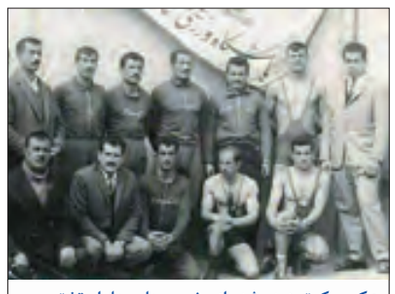

عکسی کمتر دیده شده از حضور جهان پهلوان تختی در باشگاه پهلوانی قوچان

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

تصویری از علی دایی که شب قبل از بازی نفت تهران با سیاه جامگان در حرم رضوی حضور یافت و عکس یادگاری انداخت.

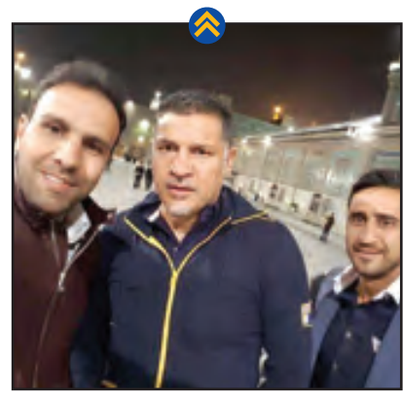

نمایی از ضبط سریال «لبخند خسارت» در کاروانسرای عزیزا... اف و البته بیمارستان امام رضا(ع) مشهد. این محصول قرار است از شبکه یک سیما پخش شود.

رضا عطاران هم این قاب با مجسمه‌های ماندلا، دالایی لاما و آتاتورک را به اشتراک گذاشت.

حجت اشرف زاده خواننده جوان نیشابوری با این عکس از دوران کودکی‌اش، صفحه اینستاگرام خود را به‌روز کرد.

آدم ها، قصه ها

سروش

گفت‌وگو با هادی حاجتمند از «میرزا جواد آقا تهرانی»، عالمی بزرگ که نام و نشان نخواست، به بهانه ساخت مستندی از او؛

نگذاریم «ج. تهرانی»ها را غریبه‌ها روایت کنند

عکسش به لطف شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌چرخد، ۲۷ سال پس از رحلتش، مردم اورا پای یک خمپاره‌انداز می‌بینند، در حالی که با محاسن سفید و کمر خمیده، گلوله‌ای را داخل دهانه آن فرو می‌کند. برای نسل جوانی که هنوز خاطره بازی یاد نگرفته، «میرزا جواد آقا تهرانی» یک نام قابل احترام است اما عقبه این احترام را کمتر می‌دانند، شاید بابت همین است که هر جا از او نوشته‌اند، عنوانش را گذاشتند: «عالم بی‌نشان». همین روزهایی که گذشتند، فراقش به سه دهگی نزدیکتر شد. اما پخش مستند «ج تهرانی» به کارگردانی هادی حاجتمند مستندساز خراسانی، که روایتی از زندگی اوست؛ بهانه مرور شخصیت این عالم بزرگوار در گفت‌وگویی با این کارگردان شد.

تفاوت در اندیشه، همگرایی در رویکرد

این کارگردان جوان، انگیزه‌اش برای ساخت اثری پیرامون این چهره را این طور توضیح می‌دهد: حفره‌هایی در دل تاریخ ما جا خوش کرده‌اند که چون عزمی برای روایتشان نداشتیم، دشمن فرهنگی از آن‌ها بهره جسته است و از زاویه نگاه خود آن‌ها را عرضه کرده است. مصلحت‌اندیشی‌ها گاهی باعث شده تا اصل ماجرا به تفسیر دیگران، ارائه شود. از وقایع انقلاب بگیرید تا ساختار سپاه پاسداران در ایران که یکی را «من و تو» گفته و دیگری را «بی‌بی‌سی». برای من هنرمند، میرزا جواد آقا تهرانی یکی از همان‌هایی بود که اگر از او نمی‌گفتیم، دیگران قصه‌اش را به نفع خودشان مصادره می‌کردند.

وی ادامه می‌دهد: از طرفی این عالم مجاهد، همه آن عناصری که یک روایت زیبا را می‌سازند در زندگی خود داشت. وی اگرچه یکی از حامیان جدی امام خمینی(ره) بود اما در مشی علمی، با ایشان تعارض آرای جدی داشت. وی پیرو مکتب تفکیک بود و رهبر کبیر انقلاب بر فلسفه و عرفان باور داشت. پیروان این مکاتب فکری، شاید منازعات بسیاری با هم داشته باشند اما میان امام خمینی(ره) و میرزا جواد آقا تهرانی، چنان احترامی جریان داشت که باورش برای بسیاری دشوار است. این دو عالم فرهنگ تحمل اعتقاد همدیگر را به جامعه آموختند. میرزا، از بسیاری از افرادی که به لحاظ علمی همفکر امام بودند، در عرصه عمل و در حوزه انقلاب، حمایتی پُررنگ‌تر را به نمایش گذاشت و این گواه آن بود که او مسیر حق را به شایستگی می‌شناخت.

۸۰ ساله‌ای که خمپاره‌هایش به قلب هدف می‌خورد

اما یک نقطه عطف زندگی این عالم برجسته حضور در جبهه‌های دفاع مقدس است. موضوعی که حاجتمند هم بر آن پا می‌فشارد و تاکید دارد که این یک حضور نمادین نبوده و ایشان مصرانه پیگیر ایفای نقش خود به عنوان یک رزمنده بوده است؛ «روایت شده که این عالم بزرگوار از یکی از رزمندگان نحوه شلیک خمپاره ۱۲۰ را سوال می‌کند. بعد از آنکه پاسخ می‌گیرد؛ به همان روش شلیک می‌کند و اتفاقا همان لحظه در یکی از تانک‌های عراقی باز بوده است و گلوله به داخل تانک می‌افتد و منفجر می‌شود. آن دقت در شلیک برای همه عجیب و باور نکردنی بوده است. میرزا باور داشت آن جوانی که می‌بیند یک پیرمرد ۸۰ ساله با محاسن سفید، پشتِ خمیده، عصا به دست آمده پای خمپاره ایستاده و خمپاره می‌زند، دیگر ممکن نیست که از مقابل دشمن برگردد عقب و احساس ترس بکند و با همین اعتقاد از نظامی که امام رهبری آن را داشت حمایت کرد.»

روایتی شفاف از یک قصه پُرحاشیه

وسط همه ماجراهایی که از میرزا جواد آقا تهرانی نقل شده، یکی از همه پُرحاشیه‌تر است؛ ماجرای تفسیر حمد حضرت امام خمینی(ره) که گفته می‌شد به درخواست میرزا، پخش آن متوقف می‌شود. «حاجتمند» که در روند ساخت مستند خود با افراد متعددی به گفت‌وگو نشسته، در توضیح اصل این ماجرا بیان می‌کند: برای شفاف شدن موضوع سراغ یکی از شاهدان ماجرا یعنی پسر مرحوم میرزا رفتم. او برایم گفت، پدر بعد از دیدن این تفسیر از من خواستند تا با آقای فردوسی‌پور (خادم وی) تماس بگیرم و او به امام(ره) بگوید که جواد سلام رسانده و گفته است من تمام درس‌های تفسیر حمد شما را استماع و استفاده می‌کنم ولی برخی از علما نسبت به آن، بحث‌های طلبگی دارند، بیان این‌ها به شأن رهبری صدمه می‌زند. اگر موافقید درس را تعطیل کنید. آقای فردوسی‌پور تعریف می‌کرد که با کلی تردید از طریق حاج احمد آقا ماجرا را به امام(ره) منتقل کردند. سپس پاسخ رسید که رهبر کبیر انقلاب گفته است: سلام من را به میرزا برسانید و بگویید اگر رخصت می‌دهند یک جلسه دیگر بروم و در آن جلسه هم اعلام می‌کنند که یکی از صلحا از من خواست درس را تعطیل کنم و چنین می‌کنم. در مجموع مشاهده می‌کنید با چه ادب و تواضعی، یک رهبر و یک عالم، دیدگاه‌هایشان را به همدیگر بیان می‌کنند. این کارگردان جوان ادامه می‌دهد: میرزا جواد آقا تهرانی، در کمال تواضع، خمینی کبیر را «ولی خدا» خطاب می‌کرد و مجدانه در مسیر انقلاب و دفاع مقدس همراه و همگام ایشان بود. وی گلایه می‌کند از پاره‌ای مصلحت‌اندیشی‌ها که باعث می‌شوند تا اصل روایت آدم‌ها دچار خدشه شود و در این خصوص توضیح می‌دهد: در روند پخش مستندی که از این عالم فرزانه تحت عنوان «ج تهرانی» ساخته شد، بخشی از روایت‌ها حذف گردید که بیشتر متوجه رویکرد علمی این عالم بزرگ بود.

ساده‌زیستی میرزا از مزارش پیداست

وی نقبی می‌زند به ساده‌زیستی این عالم و می‌گوید: مزار میرزا در بهشت رضا(ع) بدون نام و نشانی است و اصل قصه من در این مستند هم از همین مزار ساده شروع می‌شود که انعکاسی از ساده‌زیستی این مرد بزرگ است. او اگرچه خیر و گره‌گشا بود اما از این دنیا به نفع خود چیزی نجست. در حقیقت ایشان خودشان خواستند گمنام بمانند. این کارگردان انقلابی در پاسخ می‌گوید: من فرصت آن را نیافتم که بر روی بسیاری از جنبه‌های زندگی این عالم مجاهد عمیق شوم و به نظرم در هر کدام از این بخش‌ها حرف‌ها و ناگفته‌های فراوانی است که می‌تواند هم این چهره را شایسته‌تر معرفی کند و هم الگویی برای جامعه ما بسازد.

یادداشت

یحیی آل اسحاق

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق و وزیر اسبق بازرگانی ایران

اقتصاد سیاست زده سدی بر سر راه صادرات

عمده کالاهای صادراتی کشور را کالاهای نفتی و فرآورده‌های وابسته به نفت تشکیل می‌دهد حال آن که کالاهای صنعتی و سنتی همچون قالی، زعفران و صنایع غذایی سهم حداقلی در این بخش دارد. هم اکنون ایران با ۵ کشور چین، امارات، عراق، افغانستان و کره روابط صادراتی خوبی دارد و ۲۰ قلم کالا بیش از ۶۰ درصد از صادرات و درآمدهای ارزی کشور را تشکیل می‌دهد؛ قاعدتا در چنین شرایطی ایران باید چند هزار قلم کالای صادراتی داشته باشد، اما قراردادهای این بخش برای ایران شکننده به نظر می‌رسد. زمانی صادرات فرش یک و نیم میلیارد دلار بود اما در شرایط فعلی این مبلغ به ۳۰۰ میلیون دلار تقلیل یافته است، همچنین درآمد عاید از صنایع غذایی بالغ بر ۶ میلیارد دلار در سال گذشته برآورد می‌شد که امسال به بیش از ۵ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است. موانع پیش روی صادرات کالاهای غیر نفتی متعدد است که از جمله آن‌ها می‌توان به مسائل بین المللی، ارتباطات منطقه ای، کیفیت و قیمت تمام شده کالای داخلی و ثبات نداشتن نرخ ارز اشاره کرد. به طور مثال؛ مقصد عمده سیمان صادراتی ایران در منطقه، کشور عراق بود، حال این کشور از یک سو به دلیل مشکلات اقتصادی، هزینه های امنیتی، جنگ و عدم امکان صدور نفت، درآمدهایش به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرده و پروژه های عمرانی اش را کد و نیازش به سیمان کمتر شده است و از سوی دیگر قوانین و مقررات تجاری و تعرفه هایش را چندین برابر کرده است تا درآمد گمرکی اش را افزایش دهد، لذا سیمان ایران با محدودیت صدور به این کشور مواجه شده است. در این میان بخشی از مشکلات صادرات متوجه مسائل داخلی نیز هست، چرا که عمده کالاهایی که ما تولید می کنیم از نظر کیفیت و مدل تولید برای مصرف داخلی کار کرد دارد، به طور مثال هم اکنون انبارهای داخلی مملو از لوازم خانگی است، اما نمی توانیم این محصولات را به بازارهای منطقه ای صادر کنیم، چرا که از یک سو قیمت تمام شده کالا بالاست و از طرف دیگر کیفیت این کالاها قابل رقابت با بعضی نمونه های خارجی آن نیست. این مسئله در مورد خودروی داخلی هم صدق می کند به طور مثال اگر خودروی داخلی با قیمت ۱۰ میلیون دلار تولید شود، خودروی مشابه آن در خارج به قیمت ۶ میلیون دلار عرضه می شود، این امر به معنای آن است که قیمت خودروی داخلی ۱/۵ تا ۲ برابر قیمت جهانی است بنابراین ما نمی توانیم آن را صادر کنیم. البته شاید عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی برخی از موانع صادرات بین المللی را برطرف کند؛ این مجموعه در واقع باشگاهی است که قریب به اتفاق کشورها در آن عضویت دارند و از یکسری مقررات تسهیل کننده تجارت برخوردارند؛ البته موانع داخلی و خارجی برای تحقق این امر مهم زیاد است. در عین حال، رویکرد و نگرش ما به صادرات از جمله موانع بر سر راه توسعه تجارت است، به عبارتی ما هنوز راهبرد «درون زای برون نگر» را در عرصه تولید و صادرات جدی نگرفته ایم، به رغم اینکه این راهبرد جزو سیاست های اقتصاد مقاومتی است. در حقیقت با این نگاه، تولید ما باید صادرات محور باشد و با بهره گیری از توانایی های داخلی، نگاه بیرونی را اتخاذ کنیم. صنایع داخلی هم این توانایی را دارند که محصولات را برای بازارهای جهانی تولید کنند و عمده این محصولات بر اساس نیاز داخل تولید می شود. راهبرد صنعتی ما نیز مشکل دارد و ۲۰ سال است که این نوع نگرش بر بخش صنعت حاکم است در حقیقت ما همان راهبرد «جایگزینی واردات» را دنبال می کنیم. در شعار از صادرات کالا سخن می گوییم اما برای داخل تولید می کنیم نه برای بازارهای جهانی، این یک اشتباه راهبردی است. البته مشکلات و موانع موجود بر سر راه صادرات تنها به این موارد خلاصه نمی شود و به رغم برگزاری سمینارهای متعدد، فعالیت نهادهای مختلف در این بخش، ایجاد مرکز توسعه صادرات، صدور دستور العمل های متعدد، مصوبات قانونی و حقوقی گوناگون، همچنان موانع بسیاری بر سر راه صادرات وجود دارد. در این زمینه به نظر می رسد یک گام مهم باید ثبات در قوانین و مقررات باشد، چرا که ممکن است یک صادر کننده، بازاری را پیدا کند و پس از سال ها زحمت، به او اعلام کنند که آن بازار ممنوع شده است. مشکل دیگر؛ نداشتن ساختارهای بازاریابی برای صنایع کوچک و متوسط است که بیش از ۹۴ درصد از اقتصاد صنعتی ما را شامل می شود اما امکان حضورشان در بازارهای جهانی به تنهایی وجود ندارد، چرا که از درآمد، دانش و ارتباطات لازم برخوردار نیستند از این رو باید شرکت های بازاریابی و مشاوره ای وجود داشته باشد تا محصولات آنان را در بازارهای جهانی به فروش برسانند، اقدامی که کشور چین تجربه و در آن بسیار موفق عمل کرده است. مجموع صادرات ایران بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار برآورد می شود، این در حالی است که صادرات کشور ترکیه ۱۸۰ میلیارد دلار است. بخشی از این مسائل به مدیریت و نوع نگرش ما به صادرات و تدابیر اقتصادی داخلی بر می گردد. در واقع ما نمی خواهیم با واقعیت ها آن طور که هست مواجه شویم، از این رو بر خی مواقع با ارائه آمارهای مختلف و غیر واقعی فضا را آلوده می کنیم و به امر صادرات توجه اثر گذار و واقع بینانه نداریم. از سوی دیگر با محدودیت های بین المللی و منطقه ای مواجهیم و نظام بانکی با ما همراهی نمی کند، حال آنکه مقرر بود مشکلات نظام بانکی پس از برجام برطرف شود اما بدعهدی های آمریکا و هم پیمانانش اجازه نمی دهد که کارها سامان پیدا کند. از این رو صرفا ارائه راهکار ملاک نیست بلکه باید نوع نگرش و رویکرد خود را به مقوله صادرات تغییر دهیم و عزم جدی در این زمینه اتخاذ کنیم. مهم تر از تمامی این مسائل، برخورد منطقی ما با امر صادرات است؛ یعنی نه مواجهه شعاری و نه رویکرد سیاسی داشته باشیم تا چاره جویی برای این حوزه تسهیل شود.

حاشیه سازها

پای مار کبری به بیمارستان هم باز شد!

وزیر افغانستانی کانادا: برای زیارت امام رضا(ع) به ایران آمده بودم

«مریم منصف» وزیر افغان‌تبار کانادا که به خاطر سفرهای متعدد به ایران از سوی مخالفان خود مورد سوال قرار گرفته است، عنوان کرد برای زیارت به مشهد رفته بود و در این حین، با بستگان خود هم دیداری تازه کرد. فارس در این باره نوشت که، «مریم منصف» وزیر موسسات دموکراتیک کانادا دو هفته پس از به بحث گذاشته شدن سفرش به ایران، علت این سفر را زیارت اماکن مقدس اعلام کرد. منصف افغان‌تبار است و سال ۱۹۹۶ به همراه خانواده‌اش از افغانستان به ایران و سپس به کانادا مهاجرت کرد؛ اخیراً ماجرای سفرهای وی به ایران در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ برای منتقدانش چالش برانگیز شده است و از این وزیر افغان‌تبار، توضیح خواسته‌اند. «جان اُلری» مدیر روابط عمومی دفتر خانم منصف اعلام کرده است که؛ «وی با ویزای زیارتی سفر کرده؛ ویزایی که بسیاری از مسلمانان برای زیارت اماکن مقدس ایران از آن استفاده می‌کنند؛ در سفرهایش، وی حرم امام رضا(ع) را زیارت و با اعضای خانواده‌اش دیدار کرده است.» البته روز سه‌شنبه دفتر این وزیر افغان‌تبار زیر فشار رسانه‌های کانادایی، بیانیه‌ای را با محتوای نسبتاً متفاوت منتشر کرد. در آن بیانیه، هدف از این سفر را، رفتن به افغانستان برای حضور بر سر مزار پدر خانم منصف اعلام شد که البته با توجه به ناامنی‌ها، مسافر داستان ما به مقصد نهایی‌اش نرسیده بود.

مار کبری بیماران یک بیمارستان را وحشت‌زده کرد

یک حلقه مار سمی یک متر و ۵۰ سانتی دیروز در بخش مسمومیت یکی از بیمارستان‌های شهر مشهد صید شد. ماجرا از این قرار بود که یک مارگیر ۴۰ ساله با مراجعه به بیمارستانی در مرکز شهر اعلام کرد که وی را مار گزیده است. به گفته شاهدان ماجرا، در ادامه مار سمی یک متر و ۵۰ سانتی از ساک همراه مرد مارگیر خارج می‌شود که همین مسئله موجب رعب و وحشت بیماران و کارکنان بیمارستان می‌شود. با اعلام این حادثه، ماموران آتش‌نشانی در محل حاضر می‌شوند و اقدام به زنده‌گیری این مار سمی می‌کنند.